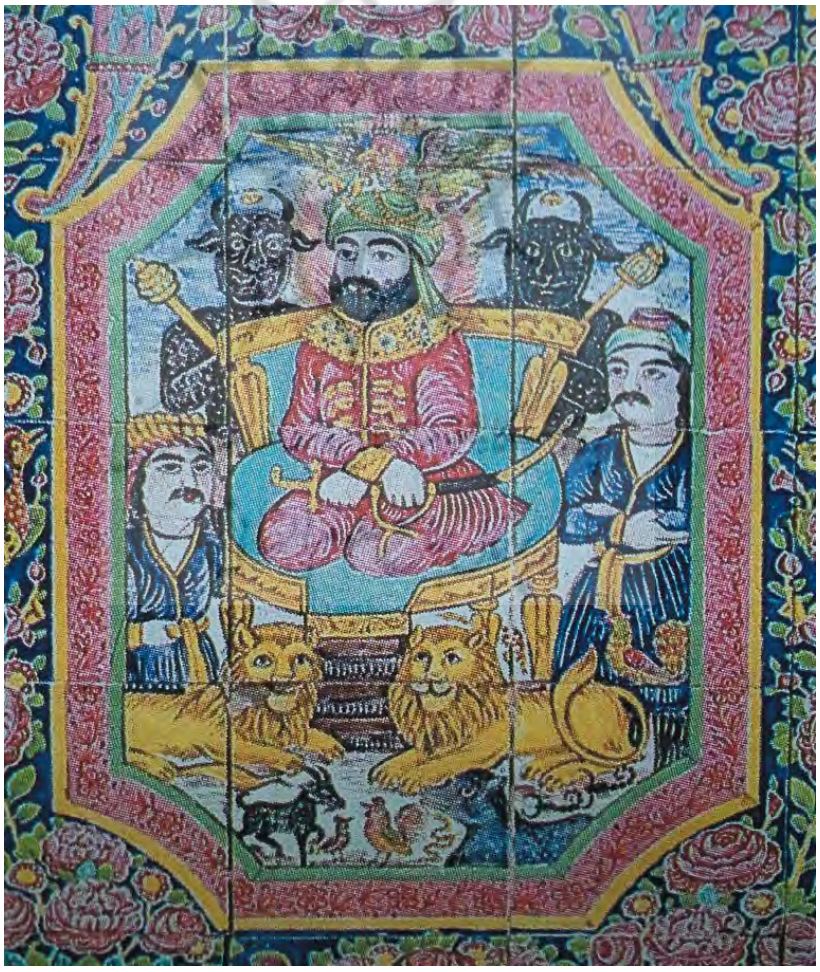

تصویر٤.کاشی‌نگاره‌باموضوع‌بارگاه
حضرت‌سلیمان‌شیراز،خانه‌عطروش،
مأخذ:نگارندگان،۱۳۹۵

فصلنامهٔ علمی- پژوهشی نگره

# بررسی انتساب زمانی، مکانی و هویت هنرمند یک دروازه مزین به کاشی هفت‌رنگ

زهرا قاسمی * ابوالفضل عرب‌بیگی **

تاریخ دریافت مقاله : ۹۶/٤/۱٤
تاریخ پذیرش مقاله : ۹۶/۹/۲۰

**چکیده**

کاشی‌های هفت‌رنگ قاجاری نمود بارزی از هویت تصویری هنر این دوره را به نمایش می‌گذارد که از نظر سبک و سیاق هنری تفاوت‌های عمده‌ای با دوران قبل از خود دارد. از این میان، کاشی‌نگاران شیرازی در این دوره مطابق با فرهنگ عامیانه، کاشی‌هایی با ویژگی‌های خاص تولید کردند و سبک کاشی‌نگاری شیراز را بنا نهادند. این مقاله به بررسی یک دروازه مزین به کاشی‌نگاره کتیبه‌دار در حراجی بونامز لندن می‌پردازد و می‌کوشد با توجه به اسناد موجود و نیز مقایسه و تطبیق ویژگی‌های مشترک این اثر با آثار مشابه هم‌دوره در کاشی‌نگاره‌های شیراز ـ از جمله درمانگاه نمازی، خانه صالحی و خانه عطروش ـ علاوه بر بازشناسی ویژگی‌های شاخص سبک کاشی‌نگاری شیراز، مسئله انتساب زمانی، مکانی و هویت کاشی‌نگار آن را نیز روشن سازد.

تحقیق حاضر به روش تحلیلی تطبیقی و گردآوری اطلاعات بر پایه مطالعات میدانی و کتابخانه ای انجام یافته است.

نتایج به دست آمده از یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر این است که اثر مورد بررسی به لحاظ موضوعات، نقش‌مایه‌ها، رنگ‌بندی و شیوه رنگ‌گذاری ویژگی های معناداری با کاشی‌نگاره های مکان‌های مذکور دارد که مبین تعلق آن به مکتب کاشی‌نگاری شیراز در اواخر دوره قاجار است. همچنین بررسی کتیبه‌های این اثر و کتیبه‌های موجود در مکان‌های مذکور روشن می‌سازد که هنرمند این اثر همان ابراهیم بن فریدون است که آثار امضادار آن در درمانگاه نمازی و مسجد وکیل وجود دارد و حیات وی معاصر با مشهدی ابوطالب معمار و میرزا عبدالرزاق؛ مهم‌ترین کاشی‌پز شیراز در اواخر دوره قاجار بوده است.

**واژگان کلیدی**

دوره قاجار، کاشی هفت‌رنگ، مکتب کاشی‌نگاری شیراز، استاد ابراهیم، میرزا عبدالرزاق .

* دانش آموخته کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشکده هنر دانشگاه شاهد،شهر تهران، استان تهران (نویسندهٔ مسئول)
Email:zahraqasemi8@gmail.com

** مربی دانشکده هنر و معماری دانشگاه کاشان(گروه صنایع دستی)، شهر کاشان، استان اصفهان
Email:abolfazl.arabbeigi@gmail.com

بررسی انتساب زمانی، مکانی و هویت هنرمند یک دروازه مزین به کاشی هفت‌رنگ

## مقدمه

کاشی‌کاری هنری است که در معماری ایران از اعتبار و اهمیت بالایی برخوردار است. تقریباً غالب بناهایی که از شاهکارهای معماری ایران محسوب می‌شوند، بخش عمده زیبایی و شکوه خود را از کاشی‌های زیبای خود دارند که با انواع نقوش مزین شده است. کاشی‌های تصویری در ایران سابقه‌ای طولانی دارند و در مناطق و دوره‌های مختلف به لحاظ فنی و سبک هنری متفاوت بوده‌اند. این صنعت در دوره قاجار مورد توجه ویژه قرار گرفت و از نظر تکنیک‌های تزیین، رنگ‌بندی و نقش‌مایه‌ها دستخوش تغییر و تحول عمده گردید. کاشی‌های هفت‌رنگ[1] یکی از انواع این تزئینات است که نمودی ازهویت بارز هنر تصویری قاجار را به نمایش می‌گذارد.کاشی‌نگاره‌های این دوره علی‌رغم شباهت‌های کلی در سبک و سیاق، در مناطق مختلف (تهران، شیراز و اصفهان) دارای ویژگی‌های مختص به خود است.

بسیاری از کاشی‌نگاره‌های تصویری دوره‌ی قاجار، همانند بسیاری دیگر از آثار هنری، پس از خروج از ایران در حراجی‌های آثار عتیقه به فروش رسیده و در موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی قرار گرفته‌اند.

موضوع این مقاله معرفی و بررسی یک دروازه[2] مزین به کاشی‌کاری هفت‌رنگ با موضوعات مختلف چون بارگاه حضرت سلیمان، تصاویر گل و مرغ و تصاویر بانوان است که از ایران خارج شده و مکان فعلی آن یک حراجی آثار هنری در لندن به نام بونامز[3] است.

دراین پژوهش کوشش شده تا با توجه به اسناد موجود و نیز مقایسه و تطبیق ویژگی‌های مشترک تزیینی، نقش‌مایه‌ها، رنگ‌بندی و کتیبه‌های این اثر با آثار مشابه در کاشی‌نگاره‌های شیراز (خانه صالحی[4]، خانه عطروش[5]، درمانگاه نمازی[6] و مسجد وکیل) - علاوه بر بازشناسی ویژگی‌های شاخص سبک کاشی‌نگاری شیراز- مسئله انتساب زمانی، مکانی و نیز هویت هنرمند سازنده این اثر روشن گردد. در این راستا سعی براین بوده تا به سوالات زیر پاسخ داده شود:

- تعلق تاریخی و مکان اولیه این کاشی‌نگاره به کدام دوره و به چه مکانی برمی‌گردد و هنرمند این اثر کیست؟
-کاشی‌نگاره موجود با کاشی‌نگاره‌های مکتب شیراز در اواخردوره قاجار چه ویژگی‌های مشترکی دارد ؟

## ضرورت و اهمیت تحقیق

اگرچه بر روی کاشی‌کاری دوره قاجار پژوهش‌هایی انجام شده است، اما به دلیل گستردگی محدوده جغرافیایی و حجم زیاد، کاشی‌نگاره‌های این دوره همچنان از ابعاد مختلف ظاهری و فنی قابلیت مطالعه و پژوهش دارند. تحقیقات جامع و متمرکز به‌خصوص تحقیقات میدانی علاوه بر شناسایی و معرفی این آثار زوایای پنهانی از فرهنگ، سیاست و اجتماع این دوره روشن می‌سازد و همچنین به شناخت هنرمندان گمنام این آثار کمک می‌کند. شایان ذکر است تحقیقات میدانی و مستندنگاری آثاری که در حال حاضر خارج از مرزهای ایران قرار دارند به‌منظور شناخت و تشخیص منشاء هویت هنری و نیز حفظ ارزش‌های فرهنگی قابل توجه‌اند.

## روش تحقیق

روش این پژوهش تحلیلی- تطبیقی بوده و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و همچنین بر پایه مطالعات میدانی[7] استوار است و از طریق تطبیق و مقایسه ویژگی‌های کاشی‌نگاره موجود با کاشی‌نگاره‌های مشابه، علاوه بر بازشناسی ویژگی‌های شاخص سبک کاشی‌نگاری شیراز مسئله انتساب مکانی و زمانی و هویت هنرمند سازنده اثر بررسی شده است.

## پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی درمورد کاشی‌نگاره‌های دوره قاجار انجام شده است که از جدیدترین آن‌ها کتاب «کاشی‌کاری قاجاری» تألیف محمد رضا ریاضی(۱۳۹۵) است. نگارنده در این کتاب ضمن معرفی کاشی‌های بناهای شاخص دوره قاجار، مروری بر هنرها و عوامل تأثیرگذار بر کاشی‌کاری این دوره داشته و نیز به شرح اجمالی ویژگی‌های سبک‌های کاشی‌کاری سه شهر مهم این

تصویر۱.کاشی‌نگاره با موضوع بارگاه حضرت سلیمان-لندن، حراجی بونامز، مأخذ: ( bonhams, 15/4/2010 ,lot:233w Access date: (20/8/2016

۱. کاشی هفت رنگ نوعی کاشی از جنس خشت گِلی و با تکنیک رو لعابی است که به خاطر به کار رفتن هفت رنگ اصلی در آن، به این نام مشهور گشته است. از آنجایی که ادامه شیوه کاشیکاری معرق از قرن یازدهم هجری به دلایل مختلف از جمله صرف زمان و هزینه مقرون به صرفه نبود کاشی کاری نوع هفت رنگ مرسوم و متداول گشت که سرعت عمل و عدم محدودیت در طرح باعث ورود طرحهای مختلفی به عرصه کاشی هفت رنگ گردید. استفاده از کاشی هفت رنگ در اواخر دوره تیموری و اوایل دوره صفوی، در تزیین بناها رواج یافت و تا دوره قاجار ادامه داشت و از آن پس، رفته رفته رو به افول گذاشت.(کیانی و دیگران،۱۳۶۲: ۱۹)

۲. این کاشی نگاره در حراجی با عنوان «Archway» ارائه شده است که در فرهنگ لغات تخصصی معماری «گذر طاقدار» معنی شده است و با رجوع به متخصصین در معماری سنتی ایشان لغت «دروازه» را مناسب تر دانستند.

۳. Bonhams

٤. خانه صالحی از خانه‌های مربوط به اواخر دوره قاجاریه در شیراز است که در ضلع جنوبی مسجد شهدا و ابتدای کوچه هفت پیچ واقع شده است. این اثر در تاریخ ۳۰/ ۲/ ۱۳۵٤ با شماره ۱۰۷۰ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است . کاشی‌کاری‌های هفت رنگ بدنه دیوارهای حیاط این بنا از نمونه‌های ارزنده هنری محسوب می‌شود.

۵. خانه عطروش از خانه‌های مربوط به اواخر دوره قاجاریه در شیراز است که در بافت قدیم در کوچه زنجیر خانه واقع شده است. این اثر در تاریخ ۳۰/ ۲/ ۱۳۵٤ با شماره ۱۰٦۲ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است .

٦. درمانگاه نمازی مربوط به اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی در شیراز است که در ضلع غربی خیابان قاآنی کهنه واقع شده است. این اثر در تاریخ ۸/ ۵/ ۱۳۸۱ با شماره ٦۰۲۷ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است .

۷.از دکتر مهدی مکی‌نژاد (عضو هیئت‌علمی فرهنگستان هنر)، استاد علی تعبّدی (کاشی‌نگار شیرازی) و

ادامه در صفحهٔ بعد

تصویر ۲. کاشی‌نگاره با موضوع بارگاه حضرت سلیمان،مکان:نمای هلالی(پیشانی)کاشی‌نگاره مورد بررسی-(جزئیات تصویر ۱)

دوره‌یعنی تهران، شیراز و اصفهان پرداخته است. کتاب « نقاشی روی کاشی» هادی سیف (۱۳۷۶) از نظر معرفی کاشی‌نگاران دوره قاجار بر پایه مصاحبه، مطالعات میدانی و شناخت بصری کاشی‌نگاره‌های این دوره در قالب تصاویر متعدد قابل توجه است. این نویسنده کتاب دیگری به لاتین با عنوان « Persian painted tile work (the shiraz school from the 18th and 19th) » دارد که به طور تخصصی‌تر درباره کاشی‌کاری قاجار در شیراز نوشته شده است، بخش‌های زیادی از این کتاب با کتاب قبلی این نویسنده مشترک است. پایان نامه‌ای با عنوان «بررسی توصیفی و طبقه بندی نقوش کاشی‌کاری دوره قاجاریه در شیراز» نگارش بهنام شیروانی (۱۳۸۹) در دانشگاه هنر وجود دارد که صرفاً به توصیف تزیینات برخی از بناهای شاخص شیراز پرداخته است. همچنین مقالاتی در مورد کاشی‌کاری‌های قاجاری نوشته شده اند که از میان آن‌ها برخی بر روی کاشی‌کاری بناهای شیراز تمرکز داشته اند؛ از میان آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: «مطالعه کاشی‌نگاره‌هایی با نقوش زنان قاجاری در خانه‌های شیراز» نگارش افضل طوسی و دیگران (۱۳۹۲) که در نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵ منتشر شده و بحث اصلی آن مفاهیم سراسطوره‌ها در فضای معنا شناختی فرهنگ و هنر قاجاری است. «خوانش گفتمان کاشی‌نگاره ی روایتگر سردر ورودی باغ ارم شیراز» عنوان مقاله‌ای تألیف عطار زاده و اتحاد محکم است که در نشریه باغ نظر شماره ۲۶ به چاپ رسیده و به خوانش تصویری و نشانه شناسی تصویر تأکید دارد. مقاله دیگر تحت عنوان «تحلیل و بررسی مضامین نقوش کاشی‌کاری شده ابنیه عصر قاجار شیراز» توسط عابد تقوی و دیگران در مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری ایرانی اسلامی (سیمای دیروز – چشم انداز فردا) به چاپ رسیده است که است که مضامین تعدادی از کاشی‌کاری بناهای مذهبی و غیرمذهبی قاجاری شیراز را بررسی کرده است. «بررسی نوآوری و تحولات تزیینات و نقوش کاشی‌کاری مسجد- مدرسه‌های دوره قاجار» نوشته بمانیان و دیگران که در فصلنامه علمی- پژوهشی نگره شماره ۱۸ چاپ شده است از دیگر مقالات در زمینه کاشی‌کاری دوره قاجار است. علی اسدپور نیز مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل ماهیت و ساختار بازنمایی فضای شهری در کاشی‌های قاجاری در دو فصل نامه پژوهش‌های منظر شهر، شماره ۱ به چاپ رسانده است. در میان کتاب‌ها و مقالات نویسندگانی چون ونتیا پورتر (کاشی‌های اسلامی ۱۳۸۱)، استفانو کاربونی (کاشی‌های ایرانی ۱۳۸۱)، گزا فهروری(سفالگری اسلامی۱۳۸۸)، فریه(هنرهای ایران ۱۳۷٤) و اسکارس(تاریخ ایران کمبریج – ج ۷ –۱۳۸۵) و دیگر نویسندگان نیز مطالب مختصر و اشاراتی درباره توصیف و چگونگی کاشی‌کاری دوره قاجار می‌توان یافت که هیچ کدام به‌صورت تخصصی و متمرکز نمی‌باشند.

### مروری بر کاشی‌کاری دوره قاجار

در دوره قاجار در پی عمارت سازی‌های شاهان این دوره به خصوص فتحعلی شاه(۱۲۵۰- ۱۲۱۲ ق.) و ناصرالدین شاه(۱۳۱۳-۱۲٦٤ه.ق) و نیاز به تزیین سطوح گسترده دیوارها هنر ساخت کاشی‌های هفت‌رنگ رونقی دوباره

ادامه از صفحهٔ قبل
جناب مسعود منیاتی (فعال در زمینه شناسایی و مستندسازی خانه‌های قاجاری شیراز) که از نظرات و مشاوره ایشان در این پژوهش بهره بردیم و نیز از خانم سارا ظفرپور (کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی) جهت شناسایی و عکاسی از مکان‌های مورد پژوهش کمال تشکر و قدردانی را داریم.

تصویر ۳. کاشی‌نگاره با موضوع بارگاه حضرت سلیمان،مکان: شیراز،خانه صالحی،ماخذ:نگارندگان:۱۳۹۵

یافت.[۱] جنیفراسکارس در این باره می‌نویسد: «کاشی‌کاری قاجار بر خلاف دوره‌های قبل محدود به بنای مساجد، مزارها و خانقاه‌ها نماند، بلکه در کاخ‌ها و عمارت‌های اعیانی و دروازه‌های تزیینی شهرها و نهادهای دولتی نیز استفاده می‌شد.» (فریه،۱۳۷٤: ۲۹۱) اعتمادالسلطنه نیز در سال۱۳۰٦ ق. در کتاب المآثر والآثار درباره پیشرفت کاشی‌پزی می‌نویسد: «این صنعت در سوابق ازمنه یکی از بدایع صنایع مملکت ایران بوده است لکن تنزل فاحشی در آن پیدا گردیده بود که در این عهد مبارک دیگرباره در نصاب خویش قرار گرفت.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷٤: ۱۵۲)

برخی از نویسندگان مانند اسکارس معتقدند کاشی‌کاری این عصر از آمیختن طرح‌های سنتی با شمایل نگاری و تصویرسازی واقع‌گرای جدید، نوعی سرزندگی و حیات تازه به این هنر بخشید. (فریه، ۱۳۷٤: ۲۹۱) و برخی نیز مانند گدار از تنزل کیفت رنگ‌ها ، ساخت کاشی و نقوش و طرح‌های این دوره سخن رانده‌اند.(گدار، ۱۳٤۹: ٤٦۳-٤٦۲) از نظر فهروری رایج ترین تکنیک‌های ساخت کاشی در دوره قاجار تکنیک کاشی هفت‌رنگ بوده است ولی نقاشی زیر لعاب نیز در کاشی‌کاری این دوره نقش مهمی داشته است. وی تنوع رنگ، نقوش و کاربردهای مختلف کاشی زیرلعابی را مهم ترین ویژگی کاشی‌کاری این دوره می‌داند. (Feharvari,2000:232) پورتر به استفاده از نوعی رنگ جدید صورتی در تصاویر کاشی‌های هفت‌رنگ این دوره که با روش جدیدی کشیده می‌شدند اشاره دارد. (پورتر،۱۳۸۱: ۸۱) در این عصر هنر نقاشی و نگارگری ایران تحت تاثیر نقاشی اروپایی واقع شد و به همین جهت نقاشی روی کاشی نیز از نقاشی اروپایی متأثر گردید. اکثر طرح‌های کاشی‌های این دوره از نظر نقاشی، طراحی و رنگ‌آمیزی کاملاً با دوره‌های قبل متفاوت است. در این دوره گرایش زیاد به آثار هنرهای تزئینی غرب سبب شد که اشکال به‌صورت رئالیستی و غیر انتزاعی و به‌صورت الگو برداری از تصاویر عکس ها، کارت پستال‌ها و تابلوهای نقاشی غربی در هنرهای این عصر از جمله کاشی‌کاری مورد استفاده قرار گیرند. قاب‌سازی، مدالیون‌سازی، منظره‌سازی، داستان‌ها و صحنه‌های روایی، تصاویر میوه و پرنده از موارد آن است.(اسدپور، ۱۳۹۰: ۸)

به‌طور کلی در کاشی‌کاری دوره قاجار می‌توان به سه سبک اصلی اصفهان، شیراز و تهران اشاره کرد. که دو شهر تهران و شیراز از نظر میزان استفاده از کاشی تصویری – شیراز به دلیل سابقه تاریخی و تهران به‌عنوان پایتخت و مرکز تجمل و تأثیرپذیری فرهنگ غربی – نقش اول را ایفا می‌کنند. (ریاضی، ۱۳۹۵ : ۵۰)

## ویژگی‌های کلی و شاخص کاشی‌نگاره‌های شیراز در دوره قاجار

بعد از حکومت کریمخان و به وجود آمدن وقفه هنری تا شروع حکومت آغا محمد خان و به تخت نشستن فتحعلی شاه قاجار در تهران، هنرمندان شیرازی نیز مانند سایر هنرمندان شهرهای دیگر به پایتخت جدید فراخوانده شدند و رشته‌های مختلف هنری از جمله کاشی‌کاری رونقی دوباره یافتند. در این دوره با برقرای آرامش نسبی در شیراز بازماندگان هنرمندان و کاشی‌سازان به احیای این هنر همت گماشتند که نخستین جلوه‌های آن ترمیم و بازسازی کاشی‌کاری‌های بناهای عصر زند در طرح و نقشی نوین به جای نقوش متداول سنتی بود که ابعاد این نهضت در نیمه دوم قرن ۱۳ق. با شروع حکومت ناصرالدین شاه آشکارتر گردید.

آنچه در مورد سبک و سیاق تصویر نگاری‌های شیراز قابل توجه است وجود مدارک تصویری از تاریخ ایران به ویژه دوره‌های هخامنشی و ساسانی در این منطقه است که بخشی از حافظه تاریخی مردمان این دیار را تشکیل

۱. برای اطلاعات بیشتر ر ک به : (اسکارس،۱۳۸۵: ۵۱۶-۵۰۰)

تصویر ٤.کاشی‌نگاره باموضوع بارگاه حضرت سلیمان ، شیراز، خانه عطروش، مأخذ: همان

تصویر ٥.نقش گلدان، گل و فرشته های قرینه در اطراف، قسمت پایین ستون کاشی نگاره مورد بررسی (جزئیات تصویر ۱)

می‌دهد. همچنین کتاب مصور آثارالعجم نخستین کتاب ایرانی درباره آثار تاریخی ایران به ویژه فارس است که فرصت‌الدوله شیرازی آن را به شیوه چاپ سنگی در دوره ناصر الدین شاه منتشر کرد؛ ازین رو بخشی از کاشی‌کاری‌های بناهای شیراز را کاشی‌های تصویری با مضامین حجاری‌های هخامنشی و ساسانی تشکیل می‌دهند. از طرفی به این دلیل که از دوره ایلخانی به بعد مکتب تزیینی و نگارگری شیراز سبک و سیاق خود را داشته است از اوایل دوره‌ی قاجار تا پایان این دوره در مکاتب نگارگری شیراز مضامین کتاب‌های کلاسیک ایران همچون هزار و یک شب، شاهنامه، پنج گنج نظامی، دیوان حافظ و آثار سعدی همواره مد نظر هنرمندان نگارگر شیراز بوده است و در کاشی‌کاری‌های بناهای شخصی شیراز به وفور از این نگاره‌ها و داستان‌های کتب ادبی استفاده شده است. علاوه بر آن توجه به قصص قرآنی از مضامین مورد استفاده کاشی‌نگاران شیرازی بوده است به طوری که سطوح مختلف کاشی‌کاری شده خانه‌های شیراز هریک روایتگر داستانی هستند. در این دوره استفاده از کاشی نه تنها در نمای بیرونی خانه‌ها به صورت گسترده رواج داشت، بلکه در مواردی تمام سطوح یک اتاق از سقف گرفته تا دیوارها و کف را شامل می‌شد.(ریاضی، ۱۳۹۵: ۵۱) به طوری که وجود فضای خالی اندک از ویژگی‌های اصلی کاشی‌نگاره‌های این دوره فارس است که در تمام بناهای این دوره مشاهده می‌شود. (تقوی و دیگران، ۱۳۹٤: ۱۱٤۰) با نگاهی کلی به معماری بناهای این دوره می‌توان به استفاده گسترده از تزئینات کاشی‌کاری در تمام فضاهایی چون قوس‌های نیم‌دایره و هلالی‌های متعدد و نیز در نماسازی ارسی‌ها و پنجره ها، پیلک یا ستون‌نماها درتقاطع دیوار که گاه بر یکی از آنها کتیبه‌ای وجود دارد اشاره کرد.

همچنین از جمله ویژگی‌های کلی کاشی‌کاری‌های ابنیه غیرمذهبی و بالاخص خانه‌های مسکونی شیراز تنوع موضوعی فراوان آن‌هاست که می‌توان آن‌ها را در سه دسته نقوش هندسی، گیاهی و فیگوراتیو(حیوانی و انسانی) طبقه‌بندی کرد. نقوش انسانی این کاشی‌نگاره‌ها شامل موضوعات متعدد از قبیل مضامین مذهبی، اساطیری، رزمی و بزمی و داستان‌های تغزلی، نقوش پادشاهان، رجال و درباریان، تصاویر روایی و روزمره و بخش ویژه‌ای با عنوان تک فریم‌ها (تک‌چهره پردازی‌ها) است. (افضل طوسی و دیگران، ۱۳۹۲ :۵۷۹) تک فریم‌ها، نیم‌تنه‌های بانوان با پوشش اروپایی و یا سنتی قاجاری و نیز نیم‌تنه‌های پادشاهان ایران از باستان تا دوره قاجار را شامل می‌شود. نقش معروف به گل و مرغ با گلدان‌های پر از گل‌های زنبق، سوسن و صد پری به شیوه طبیعت‌گرایی نیز از جمله نقوش متداول و پرکابرد در کاشی‌کاری‌های این بناهاست که هنرمندان شیراز در عصر زند و قاجار مهارت زیادی در ترسیم این نقوش داشتند. مضامین این نگاره‌ها با تفاوت‌های مختصر در نقش مایه‌ها طبق الگوی مشابه در رنگ‌بندی و ترکیب‌بندی در اکثر بناهای این دوره تکرار شده‌اند.

از دیگر شاخصه‌های کاشی‌های هفت‌رنگ بناهای شیراز استفاده از رنگ‌های روشن نظیر صورتی- بنفش، قهوه‌ای

و زرد تند، سبز، آبی و سفید است که در این میان نقش صورتی چشمگیرتر است. کاربرد این رنگ بیشتر معطوف به نقوش گیاهی است به طوری که نقوش گلدانی که از عمده ترین نقوش کاشی‌های شیراز است عمدتاً با رنگ صورتی ایجاد شده‌اند. همچنین می‌توان به تزیین نقش حاشیه قاب‌ها با نوارهای زرد و سفید اشاره کرد که این امر در کاشی‌کاری بناهای قاجاری شیراز معمولاً رعایت شده است. (تقوی و دیگران، ۱۳۹٤: ۱۱۳۲-۱۱۳۰)

همچنین استفاده زیاد از اسلوب هاشورزنی و سایه‌پردازی فراون نیز در این آثار دیده می‌شود. به‌طور کلی از نظر ظاهری طراحی نقوش، گل‌ها، چهره‌ها و پیکره‌ها ویژگی‌هایی مختص به خود دارد که آن را از سایر مکان‌ها متمایز می‌کند.

### عبد الرزاق سرپرست مکتب کاشی‌نگاری شیراز

در معرفی نقاشان کاشی‌نگار شیرازی در منابع مختلف از استادانی چون استاد حیدر کاشی پز، میرزا عبدالرزاق، صدرالدین شایسته، میرزا محمد علی، استاد محمدرضا کاشی‌نگار، میرزا احمد کاشی‌نگار، حاج باقر جهانمیری، میرزا آقابزرگ نقاش، سید هاشم و کریم آقا نام برده شده است. اما آثار امضادار عبدالرزاق تعدادشان از دیگران بیشتر است و می‌توان او را معروف‌ترین کاشی‌نگار و کاشی‌پز مکتب شیراز در نیمه دوم قرن ۱۳ ق. دانست.(شیروانی، ۱۳۸۹:۳۳) میرزا عبدالرزاق در کودکی به مدت ده سال شاگرد کارگاه سفالگری به نام سید حیدر بود پس از مدتی از استاد خود پیشی گرفت و با همکاری برادرش میرزا محمدعلی، کاشی‌پزخانه کوچکی در مقابل باغی موسوم به باغ کلانتری برپا کرد. با رونق گرفتن کاشی‌پزخانه، وی کارگاه را گسترش داده و اکثر هنرمندان ونقاشان با تجربه شیرازی را به همکاری در کاشی‌پزخانه خود فراخواند. محصولات کارگاه وی در تهران و شهرهای دیگر طالب و مشتری یافت و این امر موجب شد به منظور انجام سفارشات مختلف کاشی‌پزخانه دیگری در محله لب آب دایر کند. (ریاضی، ۱۳۹۵: ۳۲۳) از ویژگی‌های مجالس نقاشی روی کاشی کارگاه او، غلط سازی[1] همانند نقاشی قهوه خانه است که تحت تأثیر تخیل و سلیقه سفارش دهنده و البته بدون دخل و تصرف در اصل ماجرا صورت می‌گرفته است. نقل است که میرزا عبد الرزاق با مشاوره فرصت الدوله شیرازی که روابط دوستی با او داشته است، نقاشی‌هایی از بناهای تاریخی و باستانی کتاب آثارالعجم او را برای مجالس کاشی استفاده کرده است. در بسیاری از خانه‌های قدیمی و مکان‌های عمومی شیراز از جمله خانه‌های دخانچی، عطروش و مسجد نصیرالملک نام این فرد با عبارت در کارخانه عبدالرزاق ذکر شده است. به گفته فرزندش کریم فغفوری استاد در سال ۱۳۱۶ از دنیا رفت.(سیف، ۱۳۷٦: ۳۱-۲۷)

تصویر٦.نقش گلدان گل وفرشته‌های قرینه دراطراف، قسمت پایین ستون کاشی‌نگاره خانه صالحی، مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

### معرفی و توصیف اثر مورد مطالعه

اثر مورد نظر یک دروازه[2] (Archway) مزین به کاشی هفت رنگ با ابعاد: ارتفاع ستون‌ها ۵ .۲۶۳ سانتی متر و اندازه پانل به صورت نیم دایره ۷ . ۶۴ × ۱۳۹ سانتی متر است که مکان فعلی آن حراجی بونامز، با شماره ۲۳۳W است.(تصویر۱) این حراجی این اثر را متعلق به دوره قاجار و شهر شیراز دانسته است. www.bonhams.com (Access date: 20/8/2016)

هم بر روی پیشانی دروازه و هم بر روی ستون‌ها، نقوش مختلفی اعم از انسانی، حیوانی و گیاهی در قاب‌هایی جداگانه دیده می‌شود.

به روایت دو کتیبه خط نستعلیق که در پایین دو ستون این اثر نگاشته شده است مکان ساخت آن کارخانه[3] فردی به نام استاد ابراهیم و به سفارش (فرمایش) شخصی به نام حاجی عبدالمحمد بوده است. (تصاویر۵ و۹)

به منظور اطلاع از مکان اولیه این اثر (مکانی که اثر در آن نصب بوده است)، از جانب نگارندگان با کارشناسان اداره میراث فرهنگی شیراز به صورت شفاهی گفتگو شد که ایشان اطلاعاتی در این خصوص نداشتند. البته پس از جستجوهای بسیار، خانه‌ای با عنوان خانه «عبدالمحمد حق نگهدار» در محله گود عربان، کوچه مسجد حاج میرزا کریم با شماره ثبت ۹۰۰٦ معرفی شد که پس از بررسی میدانی مشخص شد که در این بنا هیچ آثاری از کاشی‌های تصویری وجود ندارد و احتمال این‌که این بنا همان خانه حاجی عبدالمحمد سفارش دهنده مورد نظر باشد تقریباً منتفی است. بنابراین نویسندگان با در نظر گرفتن شباهت فرم و نقش دروازه مذکور با نمونه‌های

۱. از آنجا که اساس نقاشی قهوه‌خانه، خیالی سازی است و نه واقعیت عینی، موضوعات مطابق شرحی که توسط نقال، تعزیه‌خوان یا روضه‌خوان شنیده می‌شود و همان‌گونه در ذهن مردم کوچه و بازار وجود دارد توسط نقاش به تصویر در می‌آید. این نوع نقاشی تناسبات را به هم می‌ریزد و حتی ممکن است به ترکیب نمایش فرم‌ها و عناصری منجر شود که به ارائه صحنه‌ای به اصطلاح «غلط» بیانجامد، چیزی که خود نقاشان این سبک از آن به «غلط سازی» یاد می‌کنند.(پاکباز،۱۳۸۳، ۵۸۷)

۲. به منظور اطلاع از مکان اصلی، چگونگی و تاریخ خروج این اثر از ایران، مکاتباتی در قالب چند ایمیل با اعضای مسئول در این حراجی انجام شد که ایشان حاضر نشدند اطلاعات مشتریان خود را در اختیار ما بگذارند و تنها به فرستادن تصویری با کیفیت تر از این اثر اکتفا کردند. این کاشی‌نگاره در سایت این حراجی به آدرس www.bonhams.com/auctions/17823/lot/233/?category=list قابل مشاهده است.

۳. در دوره قاجار کاشی نگاران در صورتی که کارگاه هایشان از وسعت زیادی برخوردار بود آن را کارخانه می‌خواندند و و در رقم‌های خویش نام کارخانه خویش را نیز ذکر می‌نمودند که از آن جمله می‌توان به کارخانه کاشی پزی علی محمد اصفهانی، کارخانه صفرعلی، کارخانه خاک نگار مقدم و کارخانه افسری اشاره کرد.(مکی نژاد، ۱۳۸۸: ۸۰)

تصویر۷. تصاویرزنان درقابهای مجزا،مکان: ستون‌های کاشی‌نگاره موردبررسی (جزئیات تصویر۱)

موجود در خانه‌های دیگر شیراز، بر این فرضیه که این اثر متعلق به یکی از خانه‌های دوره قاجار شیراز بوده است تکیه کردند. بر این اساس با جناب آقای مسعود منیاتی از فعّالین در زمینه ثبت خانه‌های قاجاری شیراز مصاحبه به عمل آمد که ایشان بر این اعتقاد بودند که به دلیل آنکه خانه‌های قدیمی ثبت نشده بسیاری درشیراز وجود دارد و خانه‌های قدیمی ثبت شده نیز به نام صاحبان فعلی به ثبت رسیده‌اند، یافتن مکان اولیه این اثر مشکل و تا حد زیادی غیر ممکن است. (مصاحبه با آقای مسعود منیاتی، ۹۵/۸/۲۸، شیراز)

**بررسی و مقایسه نگاره‌های اثر با کاشی‌نگاره‌های مشابه شیراز**

**نقوش روی پیشانی**

در قسمت پیشانی اثر،کاشی‌نگار با در نظر گرفتن فضا، داستان بارگاه حضرت سلیمان و موضوع در خدمت بودن جن و انس و دیوان و پرندگان و سایر موجودات را به تصویرکشیده است. طراحی این بخش دارای ترکیب‌بندی قرینه است و حضرت سلیمان که بر تخت پادشاهی تکیه زده است در مرکز قرار دارد و اطراف آن با نقوش شیرهای لمیده طاووس و سایر پرندگان، دیوهای ایستاده و تصاویر موجودات محوی در پس صحنه (احتمالا اجنه) و خدمه در حال پذیرایی تصویرسازی شده است. پرنده معروف هدهد نیز در حال رساندن نامه نشان داده شده است که به داستان ملکه صبا اشاره دارد. زمینه و فضاهای خالی با نقوش گل و بته‌های ریز و پراکنده پر شده و تقریبا فضایی خالی نمانده است. در نهایت صحنه در حاشیه باریک از گل و برگ محاط شده است. شایان ذکر است که روایت حضرت سلیمان از داستان‌های پرکاربرد در کاشی‌نگاره‌های شیراز بوده است.

رنگ‌های مورد استفاده در عناصر اصلی به گونه‌ای نمادین و آگاهانه به‌کار رفته‌اند. حضرت سلیمان با

تصویر۸. تصاویرزنان درقاب های مجزا، مکان: شیراز،کاشی‌نگاره‌های خانه صالحی، مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

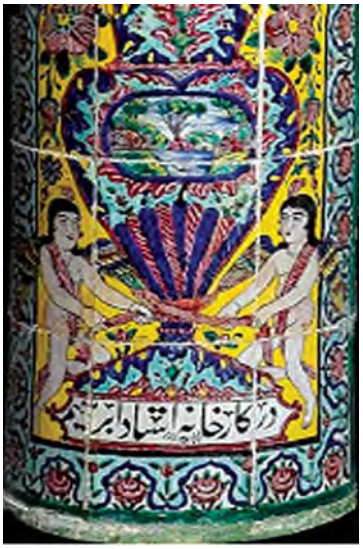

تصویر۹. کتیبهٔ کاشی‌نگاره مورد بررسی (جزییات تصویر ۱)

تصویر۱۰. کتیبهٔ قسمتی ازکاشی‌نگاره، شیراز،خانه صالحی، مأخذ:نگارندگان: ۱۳۹۵

ردایی قرمز رنگ با حاشیه‌های زرد طلایی که نماد ثروت و سلطنت است و هاله نورانی بر گرد سر که نشان از فر ایزدی و تقدس و سلطنت مشروع است به تصویر درآمده است. دیوها با بدن‌های سیاه خالدار و قلاده‌ای به گردن که حاکی از در خدمت بودن است و اجنه با چهره‌هایی محو که نشان از عدم حضور و ظاهر ملموس برای عموم می‌باشند نقاشی شده‌اند. رنگ‌گذاری سایر عناصر، تکمیل کننده ترکیب‌بندی تمامیت اثر می‌باشد به گونه‌ای که کاشی‌نگاره دارای انسجام کلی است. این کاشی‌نگاره (تصویر۲) از نظر موتیف‌ها، سبک رنگ‌گذاری و ترکیب‌بندی با کاشی‌نگاره‌های مشابهی در خانه‌های قاجاری شیراز مانند خانه صالحی و خانه عطروش(تصاویر ۳ و ٤) قابل مقایسه است که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم.

### وجوه تشابه تصویر۲ با تصاویر۳ و۴

تشابه در ترکیب‌بندی کلی اثر در مواردی چون تأکید بر مرکزیت حضرت سلیمان با ردای قرمز رنگ، عمامه یا تاج به همراه هاله دور سر و قرینه‌سازی حول مرکز، وجود عناصر و موتیف‌های مشابه، رنگ‌بندی و نحوه هاشورزنی و رنگ‌گذاری لباس‌ها مشهود است. علاوه بر این در تصاویر ۲ و ۳ هر دو روایت در فضای اصلی (پیشانی) ترسیم شده‌اند.

### وجوه تمایز تصویر ۲ با تصاویر۳ و ۴

از وجوه تمایز این کاشی‌نگاره‌ها روایت‌های مختلف زمانی است؛ به عبارتی نگاره مورد بررسی(تصویر۲) به داستان ملکه صبا و رساندن نامه توسط هدهد اشاره دارد در حالی که نگاره تصویر۳ گویا به روایت‌های دیگری نیز اشاره دارد و پدیده همزمانی[1] در آن مشهودتر است و دورنماسازی و ساخت و ساز بیشتری در آن به چشم می‌خورد. نگاره تصویر۴ تنها به بارگاه سلیمان اشاره دارد که البته به دلیل عدم ترسیم صحنه‌ها در فضاهای یکسان این امر منطقی به نظر می‌رسد. به عبارتی نگاره‌های تصاویر۳ و۲ در فضای اصلی ترسیم شده اند که کاشی‌نگار فضای بیشتری برای تصویرسازی داشته است ولی نگاره تصویر۴ در فضای فرعی ترسیم شده است. همچنین پشت صحنه تصویر۲ نسبت به تصویر٤ ساخت و ساز بیشتری به لحاظ استفاده از تعداد و تنوع نقش‌مایه‌ها دارد و از نوعی دورنماسازی برخوردار است. در تصویر۳ حضرت سلیمان با تاج پادشاهی به تصویر در آمده است ولی درتصاویر۲ و ۴عمامه بر سر دارد. در مجموع می‌توان گفت وجوه تشابه این تصاویر در مقایسه با وجوه تمایز آن‌ها توجه بیشتری را به خود معطوف می‌دارد.

### نقوش روی ستون‌ها

هر ستون شامل پنج قاب است که به ترتیب از بالا شامل تصاویرشیر و خورشید، زوج جوان، گلدان گل کوچک، نیم‌تنه و پیکره زنان و گلدان بزرگ پر از گل با نقش دو فرشته در اطرافو در زیر گلدان کتیبه به خط نستعلیق است. اگر چه تقارن در کل اثر مشهود است اما تفاوت‌های جزئی در تصاویر دو ستون وجود دارد. در زیر به مقایسه این نقوش با نقوش مشابه در برخی از کاشی‌نگاره‌های شیراز می‌پردازیم.

۱. اصل همزمانی به معنای مایش صحنه‌های مختلف از نظر مکانی و زمانی به طور همزمان در یک تصویر است که در آن فضاهایی با کیفیت‌های گوناگون باهم تداخل می‌یابند. (پاکباز، ۱۳۸۳: ٦۰۰)

تصویر ۱۱. کتیبهٔ قسمتی ازکاشی‌نگاره، شیراز،درمانگاه نمازی، مأخذ:همان

تصویر۱۲.کتیبهٔ قسمتی ازکاشی‌نگاره، شیراز،مسجدوکیل، مأخذ:همان

**گلدان‌های پر از گل**

با نگاهی اجمالی به کاشی‌نگاره‌های قاجار درمی‌یابیم که موتیف‌هایی چون گل‌های صدپری، پیچک و زنبق که از عناصر اصلی نقاشی‌های دوره قاجار است در کاشی‌نگاره مورد بررسی نیز حضور دارند. فریه نقش‌مایه‌هایی به صورت کوزه‌هایی پر از گل سرخ و زنبق یا مناظر طبیعی اقتباس شده از کارت‌های پستی از اروپا را ازمضامین تصویری بی سابقه در کاشی‌کاری این دوره می‌داند.(فریه، ۱۳۷٤: ۲۹۱) و برخی نویسندگان چون ماهرالنقش معتقدند کاشی سازان در این دوره با الهام گرفتن از طبیعت و استفاده از رنگ‌های متنوع در کاشی، آثار بدیعی با طرح‌های گلدانی به وجود آورده‌اند.(ماهرالنقش،۱۳٦۲: ۱٦) نقش فرشته یا کوپید نیز از عناصر رایج در نقاشی دوره قاجار است که بر روی تمبر، عکس و کارت پستال‌های وارداتی از اروپا دیده می‌شود و در تزیینات بناهای این دوره تأثیرگذار بوده است. (بمانیان و دیگران،۱۳۹۰ :۳۵) این نقش در قسمت‌های مختلف سطوح و اغلب به صورت قرینه ترسیم شده است.

با مقایسه تصاویر ٥ و٦ آن گونه که در تصاویر پیداست نقوش پایین ستون‌های کاشی‌نگاره مورد بررسی (تصویر٥) با نقوش پایین ستون‌ها در کاشی‌نگاره‌های خانه صالحی(تصویر٦)، علی رغم وجود تفاوت‌های جزیی، شباهت‌های زیادی دارد که از آن جمله می‌توان به ترسیم نقوش مشابه در فضای یکسان (پای ستون)، ترکیب‌بندی گل‌های صدپری و زنبق در قاب‌های مشابه، تشابه رنگ‌بندی کلی اثر، نقش‌مایه‌هایی چون گلدان، فرشته‌های بالدار قرینه، وجود کتیبه خط نستعلیق در پایین گلدان و نیز دورنماسازی در مدالیون‌های بیضی شکل درون گلدان‌ها اشاره کرد.

**تصاویر زنان با شاخصه چهره‌های قاجاری در کاشی‌نگاره‌های بناهای شیراز**

وفور نقش‌مایه‌های زنان در محصولات هنری عصر قاجار و از جمله در کاشی‌نگاره ها، در فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی کاخ ها، خانه‌های اعیان و اشراف از ویژگی‌های شاخص و متمایز این دوره است که در کاشی‌نگاره‌های خانه‌های شیراز نیز قابل مشاهده است.

زنان قاجاری نقش بسته بر این کاشی‌نگاره ها، در تعامل هویتی با هویت زن فرنگی، چهره نوینی از زن ایرانی را به نمایش گذاشته اند، زن در تک‌فریم‌های این کاشی‌نگاره‌ها هویت مستقلی یافته است، برای نخستین بار بی حجاب رخ می‌نماید ویا با حجابی که از نوعی دیگر است. زنی کنش‌گر که اغلب مشغول به کاری است، به خود در آینه و یا به دیگران از دریچه دوربین توجه دارد، مالک است و اغلب شی یا اشیاء مدرن در دست دارد و یا در غالب معشوقه فرنگی به تصویر درآمده است که اغلب لباسی فاخر با یقه‌ها و سرآستین‌های پرچین بر تن دارد. (افضل طوسی و دیگران، ۱۳۹۲ :۵۷۷)

با مشاهدات میدانی تک‌فریم‌های زنان در کاشی‌نگاره‌های خانه‌های شیراز این‌گونه دریافت می‌شود که از نظر ریخت‌شناسی، چهره‌ها و فیگورها، ویژگی‌هایی مختص به‌خود دارند و با نقوش مشابه بانوان در دیگر کاشی‌نگاره‌های قلمرو قاجار مانند تهران و اصفهان متفاوت‌اند. اغلب فیگورهای تک‌فریمی در کاشی‌نگاره‌های شیراز زنانی با نیم‌تنه‌های نسبتا فربه با آناتومی ضعیف‌تر و صورت‌های گرد تر با پهنای بیشترهمراه با غب غب، اغلب با خالی بر گونه و پیشانی کوتاه را نشان می‌دهند که از نظر ترکیب‌بندی رنگی و شیوه رنگ‌گذاری ویژگی‌هایی مختص به خود دارند. (تصاویر ۸ و۷)

تصویر ۷ نقش‌مایه‌های زنان در ستون‌های کاشی‌نگاره مورد بررسی را نشان می‌دهند که با نگاهی اجمالی با

توجه به مطالبی که بیان شد، شباهت‌های بسیا زیاد آن‌ها با نقش مایه‌های زنان در تصویر ۸ که در کاشی‌نگاره‌های خانه صالحی وجود دارند غیر قابل انکار است. این شباهت‌ها در ویژگی‌های چهره، حالات پیکره ها، قرارگیری در قاب‌های مشابه، نوع پوشش و رنگ بندی قابل مشاهده است.

**کتیبه‌های اثر مورد مطالعه و مقایسه آن با کتیبه‌های مشابه**

در بسیاری از کاشی‌نگاره‌های شیراز کتیبه‌هایی به خط نستعلیق شامل عباراتی چون نام استادان معمار، کاشی‌پزان و سفارش دهندگان وجود دارد. همانطور که در تصویر۹ مشهود است در کاشی‌نگاره مورد بررسی نیز، از کارخانه شخصی به نام «استاد ابراهیم» یاد شده است.از آنجا که بررسی‌های کتابخانه‌ای هوّیت این شخص را برای نگارندگان معلوم نکرد، مصاحبه‌هایی با محققان این حوزه از جمله دکتر مهدی مکی نژاد صورت پذیرفت که نتیجه چندان روشنی حاصل نگردید.(مصاحبه تلفنی با دکتر مهدی مکی نژاد ۹۵/۸/۲۵) پس از آن با آقای تعبّدی که از معدود بازماندگان فعال در حوزه کاشی‌نگاری شیراز است، مصاحبه‌ای انجام پذیرفت که ایشان هم شناختی از استاد ابراهیم نداشتند. (مصاحبه با آقای علی تعبدی، ۹۵/۸/۲۸، شیراز)

در خانه عطروش، خانه صالحی و درمانگاه نمازی نیز که در این تحقیق از کاشی‌نگاره‌های آن‌ها به منظور مقایسه با اثر مورد مطالعه استفاده شد، کتیبه‌هایی دیده می‌شود. کتیبه‌های خانه صالحی از نظر وجود و محل قرارگیری(در روی ستون و زیر گلدان) حائز اهمیت هستند. در پایین یکی از ستون‌های این بنا کتیبه‌ای وجود دارد که عبارت: «بدستورالعمل مشهدی ابوطالب معمار» را نشان می‌دهد که همانند کتیبه اثر مورد مطالعه در پایین ستون در فضای زیر گلدان نوشته شده است(تصویر ۱۰). کتیبه دیگری نیز با همین مضمون در کاشی‌نگاره‌های درمانگاه نمازی شیراز دیده می‌شود (تصویر۱۳) که مشخص می‌کند معمار هر دو بنا یک شخص بوده است. از سویی در کاشی‌نگاره‌های درمانگاه نمازی شیراز که اکنون در حال ویرانی ست سه کتیبه وجود دارد که به منظور روشن ساختن دوران حیات استاد ابراهیم قابل توجه می‌باشند.

۱.کتیبه‌ای با مضمون، در«کارخانه ابراهیم بن فریدون» (تصویر۱۱) (که به دلیل نصب غیر اصولی ناودان فلزیعکس برداری از آن به سختی صورت گرفت).

۲.کتیبه‌ای با مضمون: «در کارخانه حقیر میرزا عبدالرزاق کاشی‌پز» (تصویر ۱٤).

۳.کتیبه‌ای با مضمون: «به دستورالعمل مشهدی ابوطالب معمار» (تصویر۱۳).

وجود نام این سه تن در کتیبه‌های این مکان به هم دوره

تصویر۱۳. کتیبهٔ قسمتی ازکاشی‌نگاره، شیراز،درمانگاه نمازی، مأخذ: نگارندگان: ۱۳۹۵

تصویر۱٤. کتیبهٔ قسمتی ازکاشی‌نگاره شیراز،درمانگاه نمازی، مأخذ:همان

بودن دوران حیات این سه فرد دلالت می‌کند .همچنین در کاشی هفت‌رنگ بازسازی شده در مسجد وکیل نام استاد ابراهیم در کنار نام عبدالرزاق به تاریخ ۱۳٤۷ق. دیده می‌شود (تصویر ۱۲) که احتمال همکاری استاد ابراهیم با میرزا عبدالرزاق و هم دوره بودن حیات این دو فرد را بیشتر می‌کند. علاوه بر وجود کتیبه ها، شباهت‌های نزدیک تصاویرکاشی‌نگاره مورد بررسی (تصویر۹) به آثارکاشی‌نگاران خانه صالحی، خانه عطروش و درمانگاه نمازی که در کارخانه میرزا عبدالرزاق و یا با همکاری وی ساخته شده اند دلیل دیگری بر این امر است.(تصاویر ۱۰، ۱۲، ۱۳ و ۱٤)

در نهایت با مقایسه کتیبه اثر مورد مطالعه با دو کتیبه که نام استاد ابراهیم در آن‌ها ذکر شده است یعنی کتیبه‌ی درمانگاه نمازی با مضمون، در«کارخانه ابراهیم بن فریدون» (تصویر۱۱) و کتیبه «استاد ابراهیم و میرزا عبدالرزاق فغفوری» در مسجد وکیل (تصویر ۱۲)، با در نظر گرفتن شباهت سبک نقاشی، رنگ و فرم نقوش در کاشی‌نگاره‌های مذکور روشن می‌شود که به احتمال قریب به یقین «استاد ابراهیم» همان «ابراهیم بن فریدون» است.

جدول۱. جدول تطبیقی وجوه تشابه و تمایز کاشی نگارهای دروازه مورد بررسی با نمونه‌های مورد مقایسه، مأخذ:نگارندگان

| جزئیات طرح و نقش کاشی نگاره‌های دروازه مورد بررسی | طرح و نقش نمونه‌های مورد مقایسه در کاشی‌نگاره‌های شیراز (خانه صالحی، خانه عطروش، درمانگاه نمازی و مسجد وکیل) | وجوه تشابه نمونه ی مورد بررسی با نمونه‌های مورد مقایسه | وجوه تمایز نمونه‌های مورد بررسیبا نمونه‌های مورد مقایسه |
|---|---|---|---|
| (bonhams، ۲۰۱۰/٤/۱۵، lot:۲۳۳w) Access date: (۲۰۱٦/۸/۲۰) | خانه عطروش، مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵ | موضوع مشترک با وجود عناصر و موتیف‌های مشابه، ترکیب‌بندی کلی اثر، رنگ بندی مشابه | عدم ترسیم صحنه در فضاهای یکسان (نگاره مورد بررسی در فضای بزرگتر ترسیم شده است و نگاره مورد مقایسه در فضای کوچکتر جای گرفته است به همین دلیل ساخت و ساز کمتری دارد) |
| | خانه صالحی،مأخذ:نگارندگان،۱۳۹۵ | تشابه در ترکیب بندی، اشتراک در موضوع با وجود عناصر مشابه، رنگ بندی مشابه و همچنین اختصاص فضای مشابه برای هر دو نگاره | این نگاره در پشت صحنه ساخت و ساز بیشتری دارد و از نوعی دورنما سازی برخوردار است و در آن چند روایت در یک صحنه به تصویر درامده‌اند. |
| (همان) | خانه صالحی و درمانگاه نمازی، مأخذ: نگارندگان،۱۳۹۵ | ترکیب‌بندی اثر، طراحی کلی، نقوش و عناصر مشابه، رنگ آمیزی نسبتا مشابه هر سه اثر، محاط شدن طرح اصلی در حاشیه زرد و سفید و وجود کتیبه در زیر گلدان ها | تفاوت‌های جزیی در جابجایی رنگ‌ها و برخی نقش مایه ها |
| (همان) | خانه صالحی، مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵ | شباهت‌زیاد تصاویر بانوان در کاشی‌نگاره مورد بررسی با تصاویر بانوان در کاشی‌نگاره‌هایمشابه.(این شباهت‌ها در ویژگی‌های چهره، قرار گیری در قاب‌های مشابه، نوع پوشش و رنگ بندی مشهود است.) | تفاوت‌های جزیی در جابجایی رنگ‌ها و برخی نقش مایه ها. |
| (همان) | درمانگاه نمازی، خانه صالحی و مسجدوکیل، مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵ | وجود کتیبه‌هایی به خط نستعلیق درقسمت‌های پایین کاشی نگاره ها، قرار گرفتن نام‌های میرزا عبدالرزاق و استاد ابراهیم در کنار هم (در مسجد وکیل) و یا در کتیبه‌های مجزا در یک مکان (درمانگاه نمازی) | |

## نتیجه

کاشی‌نگاره‌های هفت‌رنگ در بناهای قاجاری با تنوعی خاص در مناطق مختلف چون تهران، شیراز و اصفهان تصویر آشکاری از هویت این دوره را به نمایش گذاشته‌اند. در شیرازدر نیمه اول قرن ۱۴ ه ق، بار دیگر نقاشی روی کاشی توسط هنرمندان مکتب‌ندیده غیر درباری احیا شد و علاوه بر خانه‌های طبقه اشراف در میان خانه‌های عموم و طبقه متوسط جامعه رواج یافت که اکنون از آن تحت عنوان سبک کاشی‌نگاری شیراز یاد می‌شود.

استفاده زیاد از کاشی‌های هفت‌رنگ در نمای بیرونی و سطوح داخلی با تنوع موضوعی فراوان درابنیه غیرمذهبی و بالاخص خانه‌های مسکونی از ویژگی‌های اصلی کاشی‌نگاره‌های این دوره شیراز است. نقاشی‌های سبک شیراز عصر قاجار اگرچه خام‌دستانه‌تر از سبک تهران به نظر می‌رسند اما به نوعی احیاگر مبانی ملی- مذهبی و سنتی است و مضامین آن مورد علاقه و خواست مردم بوده و ملغمه‌ای از داستان‌های شاهنامه با داستان‌های عامیانه، روایات مقدس مذهبی، تک‌چهره‌پردازی‌های رجال معروف و بانوان با پوشش اروپایی به همراه نقوش گل و مرغ به شیوه طبیعت‌گرایانه است. از دیگر شاخصه‌های کاشی‌های هفت‌رنگ بناهای شیراز استفاده از رنگ‌های روشن و شاد نظیر صورتی- بنفش، قهوه‌ای و زرد تند، سبز، آبی و سفید است که در این میان نقش صورتی چشمگیرتر است. ترکیب‌بندی، نقوش، رنگ‌بندی و سبک نقاشی این کاشی‌نگاره‌ها با تفاوت‌های جزیی طبق الگوی خاصی در اکثر بناها تکرار شده‌اند.

کاشی‌نگاره دروازه مورد بررسی در این مقاله با موضوع بارگاه حضرت سلیمان، نگاره‌های گل و مرغ و تک‌فریم‌هایی از زنان قاجاری و زوج‌های جوان از مصادیق کاشی‌نگاره‌های بناهای این دوره است که به لحاظ ویژگی‌های ظاهری تشابه زیادی به کاشی‌نگاره‌های شیراز دارد.

با مطالعه، مقایسه و تطبیق ویژگی‌هایی چون ترکیب بندی، شیوه طراحی، رنگ بندی و رنگ گذاری و نیز موضوع و نقش‌مایه‌ها و کتیبه‌های کاشی‌نگاره مورد بررسی با کاشی‌نگاره‌های مشابه برخی بناهای شیراز در این دوره به خصوص کاشی‌نگاره‌های خانه صالحی، خانه عطروش و درمانگاه نمازی، شباهت‌های غیر قابل انکاری میان آن‌ها دیده می‌شود. قابل توجه است که وجود دو کتیبه یکسان با عنوان «بدستوالعمل مشهدی ابوطالب معمار» در این دو بنا (خانه صالحی و درمانگاه نمازی) هم‌دوره بودن کاشی‌نگاره‌های آن‌ها را روشن می‌کند.

وجود نام‌های «ابراهیم بن فریدون»، «میرزا عبدالرزاق» و «مشهدی ابوطالب» در کتیبه‌های کاشی‌نگاره‌های درمانگاه نمازی شیراز مشخص می‌کند که دوران حیات این سه تن معاصر هم بوده است و هماهنگ بودن طراحی و رنگ‌آمیزی و ترکیب‌بندی کاشی‌نگاره‌های این بنا احتمال همکاری این سه تن را با یکدیگر بیشتر می‌کند. از سویی در کاشی هفت‌رنگ باز سازی شده در مسجد وکیل نام استاد ابراهیم در کنار نام عبدالرزاق به تاریخ ۱۳۴۷ق دیده می‌شود که سند دیگری بر هم دوره بودن و همکاری این دو فرد است.

همچنین از مقایسه و تطبیق کتیبه اثر مورد مطالعه که نام استاد ابراهیم را نشان می‌دهد با کتیبه‌های موجود در کاشی‌نگاره‌های درمانگاه نمازی و مسجد وکیل که در آن‌ها نام «استاد ابراهیم» و «میرزا عبدالرزاق»درکنار هم آمده است، این گمان که استاد ابراهیم کاشی‌نگاری شیرازی و دوران حیات وی معاصر با میرزا عبد الرزاق بوده است به یقین بدل می‌شود؛و با توجه به شباهت سبک و نقش و نگار کاشی نگاره مورد بررسی با کاشی نگاره‌های درمانگاه نمازی و همچنین با توجه به کتیبه این مکان «درکارخانه ابراهیم بن فریدون»به احتمال قریب به یقین «استاد ابراهیم» مورد نظر در کاشی‌نگاره مورد بررسی همان «ابراهیم بن فریدون» است .

## منابع و مآخذ


اسدپور. علی. ۱۳۹۳. «تحلیل ماهیت و ساختار بازنمایی فضای شهری در کاشی‌های قاجاری»، دوفصلنامه پژوهش‌های منظر شهر، س اول ، ش ۱: ۶-۱۷.

اسکارس. جنیفر و مجموع نویسندگان. ۱۳۸۵. تاریخ ایران کمبریج، ج۷. گردآورنده پیتر آواری. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: جامی.

اعتمادالسلطنه. محمد حسن خان. ۱۳۷۴. چهل سال تاریخ ایران در دوره ناصرالدین شاه، ج ۱: المآثر والآثار. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.

افضل طوسی، عفت السادات؛ سلاحی، گلناز؛ سلاحی، لادن. ۱۳۹۲. «مطالعه کاشی‌نگاره‌هایی با نقوش زنان قاجاری در خانه‌های شیراز»، نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵ ، ۵۷۷-۵۹۴.

بمانیان. محمدرضا؛ مومنی، کورش؛ سلطان زاده، حسین. ۱۳۹۰. «بررسی نوآوری و تحولات تزیینات و نقوش کاشی‌کاری مسجد- مدرسه‌های دوره قاجار»، فصلنامه علمی-پژوهشی نگره. ش ۱۸: ۳۵-۴۷.

پاکباز. رویین. ۱۳۸۳. دایرهٔ المعارف هنر. تهران: فرهنگ معاصر.

پورتر. ونیتیا. ۱۳۸۱. کاشی‌های اسلامی. ترجمه مهناز شایسته فر. تهران: انتشارات موسسه هنر اسلامی.

تقوی. عابد؛ موسوی حاجی، سید رسول؛ آگنجی شیرازی، ناز آفرین. ۱۳۹۴. «تحلیل و بررسی مضامین کاشی کاری شده ی ابنیه عصر قاجار شیراز»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری ایرانی اسلامی. شیراز: سیمای دیروز – چشم انداز فردا: ۱۱۲۷-۱۱۴۲.

ریاضی. محمدرضا. ۱۳۹۵. کاشی کاری قاجار. تهران : یساولی.

سیف. هادی. ۱۳۷۶. نقاشی روی کاشی. تهران: انتشارات سروش.

شیروانی. بهنام. ۱۳۸۹. «بررسی توصیفی و طبقه بندی نقوش دوره قاجاریه در شیراز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی صمد سامانیان. تهران: دانشگاه هنر.

عطارزاده، مجتبی؛ اتحاد محکم، سحر. ۱۳۹۲. «خوانش گفتمان کاشی‌نگاره روایتگر سردر ورودی باغ ارم شیراز»، نشریه علمی-پژوهشی باغ نظر، ش ۲۶: ۴۸-۴۱.

فریه. ر.دبلیو. ۱۳۷۴. هنرهای ایران. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: فرزان روز.

کاربونی. استفانو. ۱۳۸۱. کاشی‌های ایران. برگردان مهناز شایسته فر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کیانی، محمدیوسف وکریمی، فاطمه. ۱۳۶۴. هنر سفالگری دوره اسلامی ایران. تهران: مرکز باستانشناسی ایران.

کیانی. محمدیوسف. ۱۳۷۶. تزئینات وابسته به معماری ایران دوره اسلامی. تهران: میراث فرهنگی کشور.

گدار. آندره. ۱۳۷۷. هنر ایران. ترجمه بهروز حبیبی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

مکی نژاد. مهدی. ۱۳۸۸. «کاشی کاران گمنام دوره قاجاریه؛ خاندان خاک نگار مقدم»، گلستان هنر، ش۱۵.

ماهرالنقش. محمود. ۱۳۶۲. طرح و اجرای نقش در کاشی‌کاری ایران دوره اسلامی. تهران: موزه رضا عباسی.

Feharvari. Geza,2000.Ceramics of the Islamic world in the Tareq Rajab Museum. I.B.turis, London.

Scarce. Jenifer. 2009.»The role of colour in the themes and teqniques of tilework in qajar, Persia in qajar studies», journal of the international qajar studies Association, vol9, pp 57-66.

5, No. 4, PP 577 – 594.
Feharvari. Geza, (2000), Ceramics of the Islamic world in the Tareq Rajab Museum, I.B.turis, London.
Ferrier.R.w (1995), The art of Persia, translated: Marzban. Parviz, Tehran: Farzan Rooz.
Godard.Andre (1995), The art of Iran, translated: Habibi.Behrooz, Tehran: Shahid Beheshti university.
Kiani.M.Y- Karimi.F (1984), IRANIAN POTTERY in Islamic period, Tehran: Iran archaeological center.
Kiani.M.Y, (1976), Decorations related with the Iranian architecture of the Islamic period, Tehran: Cultural Heritage.
Maki-Nejad.Mahdi (1388), Anonymous tile makers of Qajar, the leading Khak-Negar house, Tehran: Golestan-E-Honar, no.15.
Maher-Al-Naghsh.Mahmood (1362), The design and perform of tile in Iran during Islamic era, Tehran: Reza Abassi museum.
Pakbaz.Ruyin (2005), ENSECLOPEDIA OF ART, Tehran: Farhang-e Moaser.
Porter. Venetia (2005), ISLAMIC TILES, translated: M.Shayestehfar, Tehran: Institute of Islamic art.
Ryazi.Mohhamad reza (1395-2017), Qajar tile work, Tehran: Yasavoli.
Scarce.Jenifer (2008), Iranian art 18th - 19th, in The Cambridge History of Iran, Avery. Peter, translated: Saghebfar.Morteza, Tehran: Jami.
Seif.Hadi (1994), Painting on tile, Tehran: Soroush.
Seif. Hadi, (2014). Persian painted tile work from the 18th and 19th (the Shiraz school), ARNOLDSCHE.
Scarce. Jenifer, (2009), The role of colour in the themes and teqniques of tilework in qajar, Persia in qajar studies, journal of the international qajar studies Association, vol9, pp 57-66.
Shiravani.Behnam (1389), descriptive study and classification the of Qajar's motifs in Shiraz with assistance of Samad Samanian, Tehran university of Art.
Taghvi.Abbed- Mossavi Haji.Seyed Rasul- Aganji Shirazi.Naz-Afarin (1394), analasing tile work decoration of Shiraz buildings in Qajar Shiraz, the first national congress of Islamic-Iranian architecture of (former face, future face) 1142-1127.
https://www.bonhams.com

inscriptive polychrome tiles which was located in an art auction house: Bonhams, London. Paintings of this archway depict Solomon,s kingdom, birds and flowers, Gol-O-Morgh motifs, separate frames of Qajar women and young couples. The visual impact of this archway is very similar to the tile decorations of the rest of the buildings in shiraz during the Qajar era and the two inscriptions below this archway's pillars demonstrate this piece was made by master Ebrahim's factory and ordered by Haji Abdolmohamad.This article concentrates on the tilework of this archway, comparing its common features with the other contemporaneous similar tileworks in Shiraz such as that of Namazi clinic, Salehi and Atrvash historic houses as well as clarifying the time, place and the identity of the artist attributed to this archway, in addition to recognizing the specific features of the Shiraz school tiling based on available documents.The method of this article is comparative-analytical and data has been gathered via field study and library research.

The following results of this article represent that this archway is related to tileworks of the mentioned places in Shiraz in terms of themes, motifs, colour palette and colouring method which elucidate that the archway belongs to the Shiraz school of tiling in the late Qajar period. Also examination of the inscriptions of this archway and other available inscriptions in the mentioned places, clarifies that the artist of this tilework is Ebrahim Ibn Fereydoon whose signed works exist in Namazi clinic and Vakil masque and that he was a tile maker from Shiraz during the late Qajar era and he was contemporaneous with «Mashhadi Abootaleb» the architect and «Mirza Abdolrazaq», one of the most famous tile makers of Shiraz in the late Qajar era. Despite previous researches on Qajar tiles, due to the wide geographic extent and large numbers, these tiles have a great deal of research potential in different aspects of technical and decorative styles. Field and documentary studies on artworks outside Iran,s borders are necessary for the sake of understanding the origin of artistic identity and the preservation of cultural values.

**Keywords:** Qajar Era, Polychrome Tile, Shiraz School of Tiling, Ostad Ebrahim, Mirza Abdolrazaq

**Refrences:**

Attarzadeh. Mojtaba - Ettehadmohkam.Sahar (2013), Reading the narrative of tile paintings in entrance of Eram garden of Shiraz, Journal: BAGH-E NAZAR, Vol.10, No.26, PP 25-32.

Asadpour. Ali (2014), Analysing concept& structure of urban space representation in qajar dynasty tile works (case study Golestan palace, Tehran), Journal: Pazhoheshha- yi manzar-I shahr, Vol.1, No. 1, PP 6-17.

Bemanian.Mohamad Reza - Momeni.Kourosh- Soltanzadeh.Hosein (2012), Study of Innovations and developments, decorating and tiling designs Case Study: Masjid-Madreseh of Qajar, Journal: Negareh, No. 18, PP35-47.

Carboni.Stefano-Tomoko.Masuya (2000), Persian Tiles, translated: M. Shayestehfar, Tehran: Vezarat-e Farhang VA Ershad-I Eslami. (Ministry of Islamic culture).

E,temadol Saltaneh.Mohammad Hassan (1374), 40 Years History of Iran (Al Ma,ser Val A,sar), afshar. Iraj, Vol.1, Tehran: Asatir.

Efatolsadat.Afzaltusi - Selahi.Golnaz- Selahi.Ladan (2014), Investigating tiles with Qajar women motifs in houses of Shiraz, Journal: woman in culture and art (women,s research), Vol.

# Studying the Attribution of Time, Place and the Artist's Identity to an Archway Decorated with Polychrome Tilework

Zahra Ghasemi, MA in Art Research, Faculty or Art, Shahed University, Tehran, Iran
Abolfazl Arabbeygi, Instructor, Faculty of Art and Architecture, University of Kashan, Kashan, Iran
Recieved: 2017/7/5 Accepted: 2017/12/11

Tilework decoration has an importance role as an art in Iran,s architecture. Almost all Iran,s architectural masterpieces have taken advantage of glorious tilework that are beautifully painted. The polychrome tilework of the Qajar period reveals the pictorial identity of its era which has a different artistic style comparing to earlier periods. In spite of some similarities in artistic style, the decorative tiles of this era have their own characteristics in each region (Tehran, Isfahan, and Shiraz). Shiraz's tile makers of this period provided particular polychrome tiles with specific features according to costumes and folkloric culture and established the Shiraz school of tiling. The enormous use of polychrome tiles with various subjects decorating both inside and outside of nonreligious buildings, especially residential buildings, is an important character of Shiraz tilework in the Qajar era. The themes of this tiles revitalize national-religious, cultural and traditional desires. These themes which are the combination of Shahnameh's tales within folk narratives and sacred fictions, famous male and female portraits in European costumes, and flowers and birds known as Gol-O-Morgh are painted in naturalistic style. Another characteristic of Shiraz tiles is the use of bright and lighthearted colours such as pink, purple, brown, yellow, green, white and blue, however it must be noted that pink is more prominent than other colours .The composition, colours, motifs and painting style of these tiles are repetitive in most of the buildings of this period.

Just like the rest of Iranian art pieces that have been smuggled from Iran, the tile works of the Qajar era have been sold in antique auctions and are kept in personal and public collections and museums out of Iran .This article studies an archway decorated with